

تأثیر توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر بهبود عملکرد حافظه کاری و آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه

حسین زارع: استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* علی اکبر شریفی: (نویسنده مسئول)، استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. aliakbarsharifi@pnu.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۲/۰۴

پذیرش اولیه: ۱۳۹۶/۰۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹

چکیده

اسکروزیس چندگانه یک بیماری تخریب‌کننده‌ی سیستم عصبی مرکزی است که به علت ایجاد آسیب‌های شناختی، می‌تواند کیفیت زندگی این بیماران را کاهش می‌دهد. هدف این مطالعه بررسی اثربخشی توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر حافظه کاری و آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه است. ۴۶ بیمار ۲۰ تا ۴۰ ساله مبتلا به اسکروزیس چندگانه که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند، به صورت تصادفی به گروه‌های آزمایش و انتظار تقسیم شدند. افراد گروه آزمایش، با استفاده از نرم‌افزار توان بخشی حافظه، ۱۲ جلسه آموزش دیدند و افراد گروه انتظار در آن دوره هیچ گونه مداخله‌ای دریافت نکردند و آموزش آن‌ها به بعد از اجرای پژوهش موکول شد. آزمون ظرفیت حافظه‌ی کاری دانمن و کارپنتر و پرسشنامه حافظه آینده‌نگر و گذشته‌نگر در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، به کار رفت. نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر تفاوت معناداری بین میانگین نمرات حافظه کاری گروه آزمایش و گروه انتظار در پس‌آزمون نشان داد، همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات حافظه آینده‌نگر گروه آزمایش و گروه انتظار در پس‌آزمون وجود دارد. به علاوه معنادار نبودن تفاوت بین نمره‌های پس‌آزمون و پیگیری در گروه آزمایش حاکی از ماندگاری تأثیر توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر عملکرد حافظه کاری و آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه بود. بنابراین توان بخشی شناختی رایانه‌ای اثر چشمگیری بر بهبود عملکرد حافظه کاری و آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه دارد و می‌توان از آن به عنوان روش مؤثر و مفیدی برای بهبود عملکرد حافظه این گونه بیماران سود جست.

کلیدواژه‌ها: اسکروزیس چندگانه، توان بخشی شناختی، حافظه کاری، حافظه آینده‌نگر.

Journal of Cognitive Psychology, Vol. 5, No. 1, Spring 2017

The Effect of Computerized Cognitive Rehabilitation on Working & Prospective Memory Function in Multiple Sclerosis Patients

Zare, H. Professor, Payame-Noor University, Tehran, Iran.

* Sharifi, A.A. (Corresponding author) Assistant Professor, Payame-Noor University, Tehran, Iran. aliakbarsharifi@pnu.ac.ir

Abstract

Multiple sclerosis (MS) is a demyelinating disease of the CNS that due to cognitive impairment can reduce the quality of life in these patients. The aim of this study is to evaluate effect of computerized cognitive rehabilitation on prospective & working memory function in Multiple Sclerosis patients. 46 MS patients aged 20–40 who have the inclusion criteria, were randomly assigned to experimental and waiting-list control groups. Experimental group trained for 12 sessions with Memory rehabilitation software and waiting-list control group did not receive any intervention and training of this group was postponed after conducting research. Daneman and Carpenter's capacity working memory and Retrospective-Prospective Memory Scale was applied at pretest, posttest, and follow-up. The results of repeated measures ANOVA showed a significant difference between the means of working memory in experimental and waiting-list control groups. Also, the results of the present study indicate that a significant difference between the means of prospective memory in experimental and waiting-list control groups. Moreover, the post-test and follow-up scores in the experimental group was not statistically different. So Computerized cognitive rehabilitation have significant effect on prospective and working memory performance in patients with Multiple sclerosis and it can be used as an effective and helpful method to improve memory performance of these patients.

Keywords: Working memory, Prospective memory, Cognitive rehabilitation, Multiple sclerosis.

مقدمه

بیماری اسکروزیس چندگانه^۱ (MS) یک بیماری خود ایمنی مزمن تخریب کننده سیستم عصبی مرکزی است که با علائم التهاب یا تخریب میلین نورون ها مشخص می شود. این بیماری شایع ترین بیماری عصب شناختی است که در اوایل جوانی روی می دهد. بیماری اسکروزیس چندگانه، هر بخش از سیستم عصبی را می تواند درگیر کند و به علائم حرکتی، شناختی و عصب روان شناختی منجر شود (چیاراوالوتی^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). از میان مشکلاتی که این بیماران با آن روبرو هستند به مشکلات شناختی می توان اشاره کرد؛ بیش از ۶۰ درصد از بیماران، بر اساس آزمون های عصب روان شناختی، از اختلالات شناختی رنج می برند (هانسن^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). نقص ها می تواند بر یادگیری، حافظه، توجه، کارکردهای اجرایی، مهارت های دیداری-فضایی، توانایی پردازش اطلاعات و سرعت پردازش اطلاعات تأثیر داشته باشد. بسیاری از بیماران ام اس، اختلال حافظه دارند و در این میان حافظه کاری^۴ (ویکلن، انجل، اپل و زتل^۵، ۲۰۰۷) و حافظه آینده نگر (داجنایس^۶ و همکاران، ۲۰۱۶) بیشتر درگیر می شود.

برای درمان مشکلات شناختی بیماران ام اس، درمان های مختلفی پیشنهاد گردیده است از جمله درمان های دارویی (کریستودولو^۷ و همکاران، ۲۰۰۸)، مداخلات جبرانی (لینکلن^۸ و همکاران، ۲۰۰۲)، توان بخشی شناختی (هاباچر^۹ و همکاران، ۲۰۱۵) و توان بخشی شناختی به کمک رایانه (پرز-مارتین^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷). توان بخشی شناختی به مجموعه ای از روش ها یا راهبردهای مداخله ای که به منظور توانمندسازی درمان جویان یا بیماران و خانواده های آن ها صورت می گیرد و هدف آن سازگاری، کنترل و کاهش نقایص شناختی است. هرچند بررسی نظام داری در مورد اثربخشی توان بخشی شناختی در بیماران ام اس صورت نگرفته است با این حال، برخی از مطالعات (به عنوان مثال بریسارت^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۳؛ چیاراوالوتی و همکاران، ۲۰۱۳)

استیوفبرگن^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۲) نشان می دهند که توان بخشی شناختی ممکن است اثرات مطلوبی بر عملکرد شناختی بیماران داشته باشد. چیاراوالوتی و همکارانش (۲۰۰۵) با استفاده از یک روش رمزگذاری برای کمک به پردازش اولیه اطلاعات، توانستند بهبود ۲ انحراف استاندارد را در ۸۸ درصد از نمونه های مبتلا به ام اس خود نشان دهند. در مطالعه انجام شده توسط مندوزی^{۱۳} و همکاران (۱۹۹۸) اثر آموزش مجدد اختلالات حافظه مخصوص هر فرد که از یک برنامه به کمک رایانه استفاده می کردند، با یک رویکرد آموزشی جامع که بر اختلالات کلی حافظه تمرکز می کرد، در تضاد بود. نتایج به دست آمده نشان می داد که آن دسته از بیمارانی که تحت برنامه بازآموزی خاص قرار داشتند، در ۴ مورد از ۱۱ مورد کار حافظه پس از ارزیابی بهبود یافته بودند، این یافته تأثیر بیشتر برنامه آموزشی به کمک رایانه در مقابل روش از نظر زمانی فشرده و شخصی اجرا شده توسط چیاراوالوتی را تأیید می نمود. اگرچه ثابت شده که هر دو روش مؤثر هستند، اما اجرای برنامه رایانه ای از لحاظ مالی امکان پذیرتر است و متخصصان ام اس به انجام کار فشرده کمتری نیاز دارند و احتمالاً به تعمیم بیشتری منجر می شود. به طور مشابه، الگوی مداخله پیشنهادی به عنوان یک بازی های ویدئویی رایانه ای طراحی شده است که می تواند به طور گسترده در سراسر اینترنت و همچنین در مراکز توان بخشی منتشر شود.

سولاری^{۱۴} و همکاران (۲۰۰۴) الگویی را با تمرکز بر بازآموزی توجه و نقص های حافظه انجام دادند. افرادی که بازآموزی شناختی مخصوص نقص های فردی خود را دریافت می کردند بهبود معناداری نسبت به گروه کنترل که در زمینه توجه کلی و اختلالات حافظه آموزش دیده بودند را نشان دادند. در یک فرا تحلیل، توان بخشی حافظه با استفاده از تکنیک های مختلف بازآموزی حافظه، از جمله برنامه های رایانه ای و یا آموزش با کمک کننده های حافظه، هیچ تأثیرات کوتاه مدت و بلندمدتی بر عملکرد حافظه را نشان نداد (دسنایر، فرگوسن، استارک و لینکلن^{۱۵}، ۲۰۱۲). با این حال نویسندگان به این نتیجه رسیدند که این فقدان شواهد ممکن است در نتیجه کیفیت پایین روش های مورد استفاده در برخی از مطالعات به وجود آمده باشد. مطالعات جدیدتر که سعی

1. Multiple sclerosis

2. Chiaravalloti

3. Hanssen

4. Working Memory

5. Winkelman, Engel, Apel & Zettl

6. Dagenais

7. Christodoulou

8. Lincoln

9. Hubacher

10. Pérez-Martín

11. Brissart

12. Stuijbergen

13. Mendoza

14. Solari

15. das Nair, Ferguson, Stark and Lincoln

گذارد. از این گذشته احتمال ابتلا به افسردگی در این بیماران به دنبال نواقص شناختی بسیار بالاتر از گروه‌های قابل مقایسه دیگر است (برنر و پیهل^۸، ۲۰۱۶). با توجه به تأثیرات آشکار اختلالات حافظه بر کیفیت زندگی افراد و بار اقتصادی آن بر جامعه‌ای که آمار مبتلایان ام‌اس در آن روز به روز افزایش می‌یابد و همچنین نبود یک روش بومی توان بخشی شناختی رایانه برای بهبود عملکرد شناختی، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر عملکرد حافظه کاری و آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه طرح‌ریزی و اجرا گردید.

روش طرح پژوهش

روش این پژوهش، نیمه آزمایشی است و طرح، از نوع پیش‌آزمون _ پس‌آزمون با گروه کنترل است. به‌منظور بررسی تأثیر متغیر مستقل (توان بخشی شناختی) بر متغیرهای وابسته (عملکرد حافظه کاری و آینده‌نگر)، از روش پیش‌آزمون _ پس‌آزمون با گروه انتظار استفاده گردید.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه عضو انجمن ام‌اس شهرکرد در زمان انجام پژوهش بودند. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار GPower (فاول، اردفلد، لنگ و بوچنر^۹، ۲۰۰۷) و با در نظر گرفتن توان آماری ۹۵ درصد و با میزان اندازه اثر ۵/ و سطح معناداری یا آلفا ۵ درصد، ۵۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری در دسترس است به این صورت که با هماهنگی انجمن ام‌اس و یک نفر پزشک متخصص مغز و اعصاب از بیماران آسیب مغزی داوطلب شرکت در جلسات توان بخشی حافظه، پس از احراز ملاک‌های ورود به پژوهش ثبت‌نام به عمل آمد و افراد به‌صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و انتظار تقسیم گردیدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: دریافت تشخیص ام‌اس بر اساس تشخیص متخصص مغز و اعصاب و ام آر آی، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، ابتلا به اختلالات حافظه بر اساس آزمون‌های معتبر، حداقل سواد سوم راهنمایی و سن ۲۰ تا ۴۰ سال و ملاک‌های خروج

کرده‌اند به برخی از این مسائل روش شناختی بپردازند، در بیماران مبتلا به ام‌اس که برنامه توان بخشی شناختی دریافت می‌کردند در مقایسه با گروه کنترل بهبود معنادار عملکردهای حافظه را مشاهده کردند (بریسارت، مورل، باومن و دیبوری^۱، ۲۰۱۲؛ چیاراوالوتی و همکاران، ۲۰۱۳). روستی اتاجاروی و هم‌ملین^۲ (۲۰۱۴) در بروز رسانی بررسی کوکران خود که در سال ۲۰۱۱ در زمینه روش‌های توان بخشی عصبی روانی در ام‌اس انجام داده بودند، به‌طور کلی شواهد کم اما با این وجود مثبتی برای اثرات توان بخشی گزارش نمودند. در نتیجه آموزش‌های اعمال شده عمدتاً فراخنای حافظه و حافظه کاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر این، آن‌ها گزارش دادند که هنگامی که آموزش‌های شناختی با روش‌های دیگر توان بخشی عصبی روانی ترکیب می‌شوند، توجه و حافظه تأخیری بهبود می‌یابد.

برنامه‌های رایانه‌ای متعددی برای توان بخشی یا بازآموزی شناختی منتشر شده است که ادعا می‌کنند همانند یا بهتر از روش‌های مداخله سنتی توان بخشی شناختی به بیماران کمک می‌کنند (فیلیپی و روکا^۳، ۲۰۱۳؛ سراسا^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). به‌طور خاص، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد توان بخشی شناختی رایانه‌ای باعث بهبود عملکرد در آزمون‌های عصب روان شناختی می‌شود. برنامه‌های توان بخشی شناختی به کمک رایانه اجازه تکرار نامحدود و تغییر تدریجی سطح دشواری تمرین‌ها را می‌دهد، خودآموز هستند و سوابق معتبری از عملکرد بیمار در بانک اطلاعات خود ذخیره می‌کنند (سولاری و همکاران، ۲۰۰۴).

از طرف دیگر مسلماً ماهیت متغیر نقایص شناختی و سطوح متفاوت این نقایص در ام‌اس، موجب وابستگی این افراد به دیگران می‌شود و با پیشرفت بیماری نیاز به تغییر سبک زندگی و درمان حمایتی را می‌طلبد. نقایص شناختی به‌طور نزدیکی با عملکرد زندگی روزمره این بیماران مرتبط است (چیاراوالوتی و همکاران، ۲۰۱۳). نواقص شناختی می‌تواند بر کیفیت زندگی (لازیلو^۵ و همکاران، ۲۰۱۶)، عملکرد روزمره و استقلال (فریمن^۶، ۲۰۰۱) فعالیت‌های اجتماعی (اسکرت و موس موریس^۷، ۲۰۰۶) بیماران مبتلا به ام‌اس تأثیر منفی

1. Brissart, Morele, baumann & Debouverie

2. Rosti-Otajärvi & Hamalainen

3. Filippi & Rocca

4. Cerasa

5. Lanzillo

6. Freeman

7. Skerrett, & Moss-Morris

8. Brenner & Piehl

9. Faul, Erdfelder, Lang & Buchner



تصویر ۱- نمونه‌ای از تمرینات جهت تقویت حافظه آینده‌نگر

سطح (ب) عدم تشویق حدس زدن و استفاده از روش آزمایش و خطا (ج) ندادن فرصت اشتباه به فرد با دادن سرنخ‌های بیشتر برای بازیابی تا رسیدن به پاسخ درست (د) ارائه نمونه و مثال‌های کافی قبل از اینکه از فرد خواسته شود تکلیف اصلی را انجام دهد (و) تصحیح فوری خطاها.

این نرم‌افزار دارای ۱۶ بسته آموزشی برای توان‌بخشی انواع حافظه (حافظه کاری، حافظه معنایی، حافظه رویدادی، حافظه آینده‌نگر و حافظه روزمره) است هر بسته آموزشی سطوح دشواری مختلفی دارد، بیمار در هر جلسه تمرینات پیش‌بینی‌شده در نرم‌افزار را انجام می‌دهد و هر تمرین از سطح دشواری ۱ شروع می‌شود و بیمار پس از اینکه تمرینات این سطح را با موفقیت انجام داد، نرم‌افزار وی را به یک سطح دشوارتر هدایت می‌کند و این روند تا انجام تمام تمرینات پیش‌بینی‌شده با سطح دشواری مختلف ادامه خواهد یافت. پژوهش زارع، شریفی و حاتمی (۲۰۱۵) و شریفی، زارع و حاتمی (۲۰۱۶) شواهد محکمی در مورد روایی و اعتبار این نرم‌افزار در بیماران آسیب مغزی تروماتیک ارائه داده‌اند. تصویر ۱ نمونه‌ای از تمرینات پیش‌بینی‌شده در نرم‌افزار را نشان می‌دهد.

آزمون سنجش ظرفیت حافظه‌ی کاری: این آزمون جهت سنجش ظرفیت حافظه کاری توسط دانیمن و کارپنتر^۱ (۱۹۸۰) ساخته شده است. آزمون فوق شامل ۲۷ جمله است که در شش بخش، از بخش دو جمله‌ای تا هفت جمله‌ای تقسیم و طبقه بندی شده است. ویژگی اصلی این آزمون سنجش هم‌زمان دو بخش حافظه کاری (پردازش و اندوزش)

عبارت بودند از: سابقه ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی، ابتلا به سایر اختلالات نورولوژی (نظیر آلزایمر، دمانس، صرع)، شرکت در سایر برنامه‌های مداخله روان‌شناختی، اختلال بارز در درک و بیان کلامی و ناتوانی جسمی برای استفاده از رایانه که با مصاحبه با بیمار و بررسی پرونده پزشکی احراز گردید.

پس از جای گماری تصادفی افراد در گروه‌های آزمایش و انتظار از هر دو گروه، پیش‌آزمون عملکرد حافظه گرفته شد و گروه آزمایش تحت آموزش (۱۲ جلسه هر هفته ۳ جلسه) با استفاده از نرم‌افزار توان‌بخشی شناختی (شریفی، ۲۰۱۵) قرار گرفت و گروه انتظار هیچ‌گونه مداخله‌ای در آن زمان دریافت نکرد و آموزش این گروه به بعد از انجام پژوهش موقوف گردید. در مرحله پس‌آزمون و پیگیری (۲ ماه پس از آموزش) مجدداً عملکرد حافظه هر دو گروه موردسنجش قرار گرفت و داده‌ها جهت انجام تحلیل‌های آماری آماده شد.

ابزار

نرم‌افزار توان‌بخشی حافظه: این نرم‌افزار بر اساس مدل یادگیری بدون خطا، برای توان‌بخشی انواع حافظه طراحی و ساخته شده است (شریفی، ۲۰۱۵). یادگیری بدون خطا، شیوه آموزشی است که در آن تا جایی که امکان دارد افراد را از انجام اشتباه باز می‌دارد تا مهارت‌های نوین یا اطلاعات جدید را به دست آورند. روش‌های مختلفی برای کاهش احتمال خطا وجود دارد که در این نرم‌افزار از برخی از آن‌ها استفاده شده است از جمله (الف) تقسیم هر تکلیف به تکالیف و گام‌های کوچک‌تر و شروع آموزش از راحت‌ترین

^۱. Daneman, & Carpenter

جمع نمرات به دست آمده برای هر فرد در دامنه‌ای بین ۱۶ تا ۸۰ قرار می‌گیرد. این پرسشنامه شامل ۲ خرده مقیاس حافظه آینده‌نگر و حافظه گذشته‌نگر است. برای هر یک از خرده مقیاس‌ها، ۸ آیتم در نظر گرفته شده است. کرافورد و همکاران (۲۰۰۳) در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه همسانی درونی مطلوبی را برای هر سه شاخص نمره کلی (مجموعه نمرات هر ۱۶ آیتم)؛ نمره آینده‌نگر (جمع همه ۸ آیتم آینده‌نگر)؛ نمره گذشته‌نگر (جمع همه ۸ آیتم گذشته‌نگر) به ترتیب، ۰/۸۹، ۰/۸۵ و ۰/۸۰ گزارش کردند. همچنین، نتایج تحلیل عامل تأییدی نیز مدل سه‌گانه پیشنهاد شده را تأیید می‌کند.

یافته‌ها

برای بررسی اثربخشی برنامه رایانه‌ای توان بخشی شناختی بر عملکرد حافظه بیماران مبتلا به اسکروزیم چندگانه، از آزمون آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه با اندازه‌های مکرر استفاده شد. ابتدا پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس یک‌طرفه با اندازه‌های مکرر بررسی گردید. برای بررسی توزیع طبیعی داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف و برای بررسی فرض یکنواخت بودن کوواریانس از آزمون موچلی استفاده شد. همچنین برای بررسی همگونی واریانس نمرات حافظه کاری و آینده‌نگر در دو گروه در مرحله پس‌آزمون و پیگیری، از آزمون لوین استفاده شد.

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان داد که داده‌های به دست آمده دارای توزیع نرمال هستند. همچنین بررسی نتایج آزمون M باکس در مورد تساوی ماتریسهای کواریانس نیز نشان داد که مفروضه همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس برقرار است و ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده‌ی متغیرهای وابسته در تمامی گروه‌ها مساوی است. با توجه به نتایج آزمون لوین برای همسانی واریانس نمرات حافظه کاری و حافظه آینده‌نگر در دو گروه برای همه متغیرهای وابسته در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار نبود، بنابراین مفروضه همسانی واریانس‌ها برای تمام متغیرها تأیید گردید و استفاده از واریانس یک‌طرفه با اندازه‌های مکرر در این پژوهش مجاز است.

نمونه این پژوهش در ابتدا شامل ۲۵ نفر در گروه آزمایش و ۲۵ نفر در گروه انتظار بود ولی به علت قطع همکاری ۲ نفر در گروه آزمایش تعداد نمونه در گروه آزمایش به ۲۳ نفر شامل ۸ مرد و ۱۵ زن با میانگین سن ۳۰/۶۵ کاهش یافت و همین تعداد در گروه انتظار با میانگین سن ۲۸/۲۲ سال بودند

در ضمن انجام یک فعالیت ذهنی است. در این آزمون از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا در هر مرحله به یک رشته از جملات مختلف و نسبتاً دشوار که برای آن‌ها خوانده می‌شد، با دقت گوش داده سپس دو کار ذهنی (پردازش و اندوزش) را به‌طور هم‌زمان و به ترتیب زیر انجام دهند: الف) معنی و مفهوم جملات بیان شده را به‌درستی تشخیص بدهند. ب) آخرین کلمه بیان شده در جملات را به خاطر بسپارند (مجتبی زاده، ۲۰۰۶). در این آزمون ارزش همه جملات واحد است و به هر پاسخ درست یک نمره تعلق می‌گیرد و به پاسخ‌های غلط یا سفید نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد. بنابراین هر آزمودنی بر اساس موفقیت در هر جمله، دو نمره می‌گیرد، یکی نمره پردازش که در قبال تشخیص درستی جملات قرائت شده کسب می‌کند و دیگری نمره اندوزش که به جهت درست نوشتن آخرین کلمه‌ای که شنیده است. در مجموع، چون تعداد جملات این آزمون ۲۷ و ارزش سؤال‌ها هم یکسان است، دامنه نمره هر آزمودنی هم در پردازش و هم در اندوزش از نمره ۲۷ محاسبه می‌شود و نمره حافظه‌ی کاری هر آزمودنی نیز از میانگین مجموع دو نمره (پردازش و اندوزش) به دست می‌آید که به‌صورت درصد نوشته می‌شود. در مورد روایی این آزمون در یک بررسی مقدماتی که توسط اسد زاده (۲۰۰۸) روی ۸۴ نفر از دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی انجام شده، ضریب همبستگی ۰/۸۸/ به دست آمده است. مجتبی زاده (۲۰۰۶)، پایایی این آزمون را در تحقیق خود روی دانش آموزان سال سوم متوسطه شهر زنجان از طریق کودر ریچاردسون ۰/۸۷/ به دست آورده است. اسد زاده (۲۰۰۸)، نیز پایایی آن را از طریق دونیمه کردن ۰/۸۵/ گزارش کرده است.

پرسشنامه حافظه آینده‌نگر و گذشته‌نگر (PRMQ): پرسشنامه حافظه آینده‌نگر و گذشته‌نگر، یک مقیاس خود گزارشی کوتاه برای سنجش حافظه آینده‌نگر و گذشته‌نگر است (کرافورد، اسمیت، مایلر، دلا سالا و لوجی^۱، ۲۰۰۳) PRMQ ۱۶ آیتم دارد و از آزمودنی در مورد فراوانی مشکلات حافظه در یک مقیاس لیکرت ۵ نقطه (از اغلب تا هرگز) سؤال می‌کند. از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که بر اساس یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای به آیتم‌ها پاسخ دهند که در آن عدد ۱ نشان‌دهنده مخالفت کامل (هرگز) و عدد ۵ نشان‌دهنده موافقت کامل (همیشه) است؛ بنابراین

1. Prospective And Retrospective Memory Questionnaire

2. Crawford, Smith, Maylor, Della Sala, Logie

جدول ۱- آماره‌های توصیفی نمرات حافظه کاری و آینده‌نگر در سه مرحله به تفکیک گروه‌ها

پیش‌آزمون		پس‌آزمون		آزمون پیگیری	
متغیر وابسته	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین
حافظه کاری	آزمایش	۲۳	۲۳/۹۹	۶/۰۸	۳۶/۸۸
	انتظار	۲۳	۲۳/۲۷	۶/۲۱	۲۳/۹۱
حافظه	آزمایش	۲۳	۳۷/۰۴	۴/۴۱	۲۵/۱۳
آینده‌نگر	انتظار	۲۳	۳۶/۵۲	۳/۲۷	۳۶/۳۵

جدول ۲- نتایج تحلیل اندازه‌های مکرر نمرات آزمودنی‌ها برای تأثیر توان‌بخشی شناختی بر حافظه کاری و حافظه آینده‌نگر

منبع اثر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	نمره F	اندازه اثر
حافظه کاری	بین گروهی	۱	۲۷۷/۷۷۶	۲۵/۴۴۵**	۰/۳۶۶
	گروه	۴۴	۱۰۸/۹۳۳		
	خطا				
درون گروهی	حافظه	۱/۵۱۷	۸۹۷/۹۷۷	۴۱۷/۱۷۹**	۰/۹۱
	حافظه* گروه	۱/۵۱۷	۷۷۲/۰۲	۳۵۸/۶۶۲**	۰/۸۹
	خطا	۶۶/۷۵۵	۲/۱۵۲		
حافظه آینده‌نگر	بین گروهی	۱	۱۸۸۴/۷۸۳	۷۸/۷۵۷**	۰/۶۴۲
	گروه	۴۴	۲۳/۹۳۱		
	خطا				
درون گروهی	حافظه	۱/۱۶۶	۹۳۳/۵۶۴	۸۹/۰۳۳**	۰/۶۶۹
	حافظه* گروه	۱/۱۶۶	۹۲۶/۵۰۵	۸۸/۳۶**	۰/۶۶۸
	خطا	۵۱/۳۱۴	۱۰/۴۸۳		

**p<۰/۰۱

یک گروه بین میانگین نمرات سه مرحله سنجش تفاوت معنادار وجود دارد ($F=358/662, P<0/001$).

بررسی تفاوت میانگین‌ها در جدول ۳ نشان می‌دهد که در گروه آزمایش بین میانگین پیش‌آزمون (۲۳/۹۹)، پس‌آزمون (۳۶/۸۸) و پیگیری (۳۶/۷۹) حافظه کاری تفاوت معنادار وجود دارد ولی در گروه انتظار تفاوت معنادار نیست. به عبارت دیگر آموزش تأثیر معناداری بر افزایش حافظه کاری بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه داشته است. همچنین نتایج جدول ۲، در مورد حافظه آینده‌نگر نشان می‌دهد که تفاوت دو گروه آزمایش و انتظار در نمرات حافظه آینده‌نگر معنادار است ($F=78/757, P<0/001$) و بین نمرات حافظه آینده‌نگر در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد ($F=89/033, P<0/001$) و تعامل معنادار بین متغیرها ($F=88/36, P<0/001$) نشان می‌دهد که تنها در یک گروه بین میانگین نمرات سه مرحله سنجش تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی تفاوت میانگین‌ها در جدول ۴ مشخص شد که در گروه آزمایش بین میانگین‌ها پیش‌آزمون از یک طرف و پس‌آزمون و پیگیری از طرف

در گروه آزمایش حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۲۰ و ۳۸ سال بوده و در گروه انتظار، ۲۱ و ۴۰ سال بود.

جدول ۱، آماره‌های توصیفی نمرات حافظه کاری و آینده‌نگر در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در دو گروه آزمایش و انتظار را نشان می‌دهد همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود میانگین نمرات حافظه کاری در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، به ترتیب در گروه آزمایش، ۲۳/۹۹، ۳۶/۸۸ و ۳۶/۷۹؛ و در گروه انتظار، ۲۳/۲۷، ۲۳/۹۱ و ۲۳/۵۹ و میانگین نمرات حافظه آینده‌نگر در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، به ترتیب در گروه آزمایش، ۳۷/۰۴، ۲۵/۱۳ و ۲۵/۱۷؛ و در گروه انتظار، ۳۷/۵۲، ۳۶/۳۵ و ۳۶/۶۵ محاسبه شده است.

نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین نمرات حافظه کاری دو گروه آزمایش و انتظار معنادار است ($F=25/445, P<0/001$) همچنین این نتایج نشان می‌دهد که بین نمرات حافظه کاری در سه مرحله سنجش تفاوت معناداری وجود دارد ($F=417/179, P<0/001$). از آنجایی که تعامل بین متغیرها، معنادار است می‌توان گفت که تنها در

جدول ۳- نتایج مقایسه زوجی نمرات حافظه کاری در سه مرحله آزمایش

گروه	مرحله آزمون	آزمون‌ها	اختلاف میانگین‌ها	خطای استاندارد	۹۵٪ سطح اطمینان
آزمایش	پیش آزمون	پس آزمون	**۱۲/۸۸-	۱/۸۱	پایین‌ترین سطح -۱۳/۶۶ بالا‌ترین سطح -۱۲/۱۰
	پیش آزمون	پیگیری	**۱۲/۸۰-	۲/۶۲	-۱۳/۹۳ -۱۱/۶۷
	پس آزمون	پیگیری	۰/۰۸۲	۱/۴۲	-۰/۵۳ ۰/۷۰
انتظار	پیش آزمون	پس آزمون	-۰/۶۴	۱/۷۳	-۱/۳۹ ۰/۱۰
	پیش آزمون	پیگیری	-۰/۳۲	۰/۷۴	-۱/۰۷ ۰/۴۳
	پس آزمون	پیگیری	۰/۳۲	۰/۳۶	-۰/۲۱ ۰/۸۴

**p<۰/۰۱

جدول ۴- نتایج مقایسه زوجی نمرات حافظه آینده‌نگر در سه مرحله آزمایش

گروه	مرحله آزمون	آزمون‌ها	اختلاف میانگین‌ها	خطای استاندارد	۹۵٪ سطح اطمینان
آزمایش	پیش آزمون	پس آزمون	**۱۱/۹۱	۳/۸۱	پایین‌ترین سطح ۱۰/۲۶ بالا‌ترین سطح ۱۳/۵۶
	پیش آزمون	پیگیری	**۱۱/۸۷	۳/۷۱	۱۰/۲۷ ۱۳/۴۷
	پس آزمون	پیگیری	-۰/۰۴	۱/۴۶	-۰/۶۸ ۰/۵۸
انتظار	پیش آزمون	پس آزمون	۰/۱۷۱	۴/۳۹	-۱/۷۲ ۲/۰۷
	پیش آزمون	پیگیری	-۰/۱۳	۴/۶۹	-۲/۱۶ ۱/۹۰
	پس آزمون	پیگیری	-۰/۳۰۴	۱/۲۹	-۱/۸۶ ۰/۲۵

**p<۰/۰۱

دیگر تفاوت معناداری وجود دارد ($P<۰/۰۰۱$) ولی بین پس آزمون و پیگیری این تفاوت معنادار نیست. در گروه انتظار نیز تفاوت معناداری بین نمرات سه مرحله آزمایش دیده نشد. به عبارت دیگر آموزش تأثیر معناداری بر کاهش مشکلات حافظه آینده‌نگر بیماران داشته است.

نمودار ۱ و ۲ کاهش مشکلات حافظه آینده‌نگر و بهبود حافظه کاری را بعد از آموزش در گروه آزمایش و عدم تغییر در گروه انتظار را نشان می‌دهند. همان‌طور که در این نمودارها مشخص شده است مشکلات حافظه آینده‌نگر در گروه آزمایش در پس آزمون و پیگیری کاهش داشته است ولی در گروه انتظار مشکلات همچنان باقی‌مانده و تغییر چندانی نداشته است. همچنین نمرات حافظه کاری در پس آزمون و پیگیری در گروه آزمایش افزایش یافته است ولی در گروه انتظار تغییر زیادی اتفاق نیفتاده است.

بحث و نتیجه‌گیری

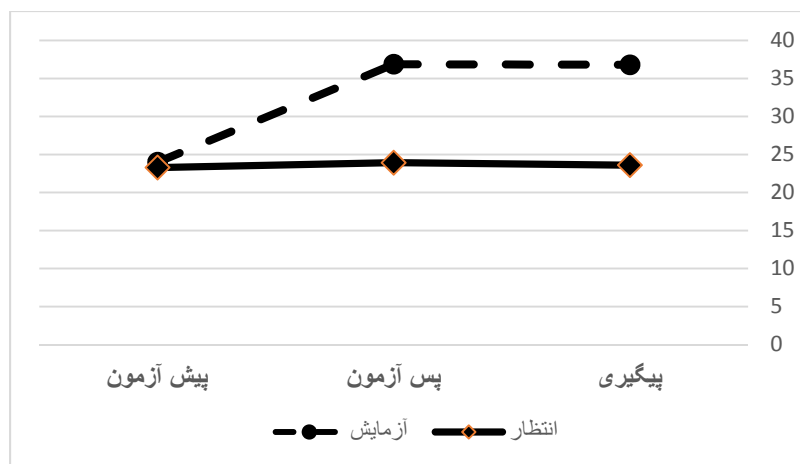
این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر عملکرد حافظه کاری و آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه، انجام شد. تحلیل با اندازه‌های مکرر پس ۱۲ جلسه آموزش به کمک نرم‌افزار توان بخشی شناختی نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات حافظه کاری و حافظه آینده‌نگر گروه آزمایش و گروه انتظار در

پس آزمون وجود دارد و آموزش باعث بهبود حافظه کاری و حافظه آینده‌نگر افراد گروه آزمایش شده است. یافته اول این پژوهش در مورد تأثیر توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر عملکرد حافظه کاری همسو با پژوهش‌های شریفی، زارع و حاتمی (۲۰۱۶)، بی‌جورک داهل، آکرلاند، سونسون و اسبجورسون^۱ (۲۰۱۳)؛ هاباچر و همکاران (۲۰۱۵) فیلیپی و روکا (۲۰۱۳) است و یافته دوم این پژوهش در مورد تأثیر توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر عملکرد حافظه آینده‌نگر همسو با پژوهش‌های گذشته از جمله داجنایس و همکاران (۲۰۱۶)، زارع، شریفی و حاتمی (۲۰۱۵)، فیش^۲ و همکاران (۲۰۱۴) و چپاراولوتی و همکاران (۲۰۱۳) است. همچنین بین نمرات پس آزمون و پیگیری در گروه آزمایش تفاوت معناداری وجود نداشت و این به معنا است که اثرات آموزش همچنان در مرحله پیگیری (یک ماه بعد از آموزش) ماندگار بوده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توان بخشی شناختی رایانه‌ای اثر قابل ملاحظه‌ای بر بهبود عملکرد حافظه کاری و آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه، دارد و این نرم‌افزار می‌تواند باعث بهبود عملکرد حافظه کاری و آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکروزیس چندگانه گردد.

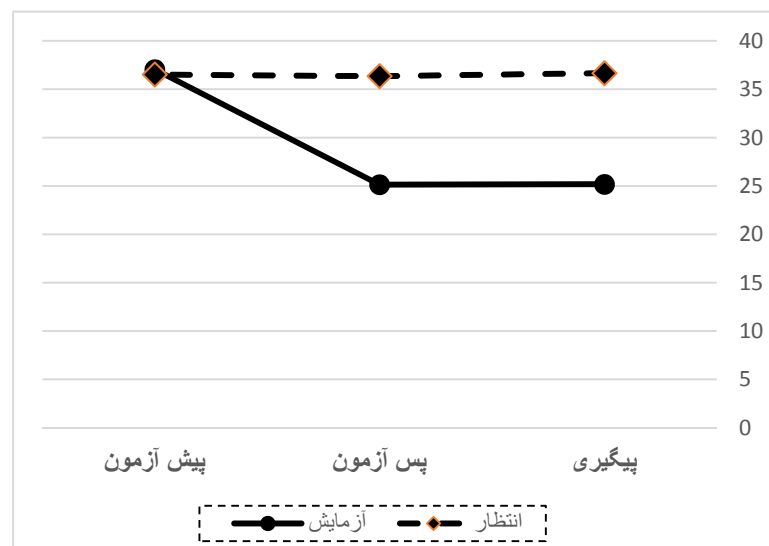
به‌طور کلی، روش‌های توان بخشی شناختی بر مبنای

^۱ Björkdahl, Akerlund, Svensson & Esbjörnsson

^۲ Fish



نمودار ۱- تأثیر توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر عملکرد حافظه کاری بیماران مبتلا به اسکیزوزیس چندگانه



نمودار ۲- تأثیر توان بخشی شناختی رایانه‌ای بر عملکرد حافظه آینده‌نگر بیماران مبتلا به اسکیزوزیس چندگانه

نورونی را هدایت نماید (سوهلبرگ و متر^۱، ۲۰۰۱). دیدگاه توان بخشی شناختی بعد از آسیب مغزی با آنچه لوریا^۲ (۱۹۶۳) سازمان دهی مجدد می‌نامند همگرا است. سازمان دهی مجدد جبرانی برای زنده نگه داشتن مدارهای مغزی آسیب‌نندیده، به منظور دست یافتن به عملکردهای آسیب‌دیده در افراد آسیب مغزی است و در نهایت این مکانیسم‌ها موجب بهبودی در کارکردهای مختلف می‌شوند (استیوفبرگن و همکاران، ۲۰۱۲ و سولاری و همکاران، ۲۰۰۴).

در ساخت نرم‌افزار توان بخشی شناختی (زارع، شریفی و حاتمی، ۲۰۱۵) از اصول یادگیری بدون خطا استفاده شده است، اصل این روش، جلوگیری از اشتباه تا حد ممکن، در

بازآموزی عملکردهای شناختی به وسیله تمرین، انطباق و یادگیری ضمنی یا آشکار راهکارهای مقابله، استوار هستند. در نتیجه این روش‌ها از قلم و کاغذ یا ابزار رایانه‌ای در جلسات فردی یا گروهی با تنوع بالا در شدت و مدت زمان جلسات آموزشی استفاده می‌کنند. فرض بر این است که با ایجاد تجربیاتی در فرد دچار آماس می‌توان تا حدی کارکرد فرد را پس از آسیب مغزی بهبود بخشید و می‌توان با تدارک تجربه‌های طراحی شده، تغییراتی در رشد نورون‌های مغز انجام داد که منجر به بهبودی در عملکرد زندگی روزمره‌ی فرد می‌شود که به آن توان بخشی شناختی می‌گویند و محققان مختلف معتقدند که توان بخشی شناختی تحت شرایط خاص می‌تواند اثر تغییر

¹. Sohlberg & Matter

². Luria

توان بخشی حافظه سایر بیماران دچار اختلالات حافظه (به عنوان مثال بیماران سکته مغزی، ام. اس و آنسفالیت) بررسی شود.

منابع

- Asadzadeh, H. (2008). Investigating the Relationship between Working Memory Capacity and Academic Performance among Students in the Third Grade of Junior High School in Tehran. *Quarterly Journal of Education*, 97, 53-69. [Persian].
- Björkdahl, A., Akerlund, E., Svensson, S., & Esbjörnsson, E. (2013). A randomized study of computerized working memory training and effects on functioning in everyday life for patients with brain injury. *Brain Injury*, 27(13-14), 1658-65.
- Brenner, P., & Piehl, F. (2016). Fatigue and depression in multiple sclerosis: pharmacological and non-pharmacological interventions. *Acta Neurologica Scandinavica*, 134 Suppl, 47-54.
- Brissart, H., Leroy, M., Morele, E., Baumann, C., Spitz, E., & Debouverie, M. (2013). Cognitive rehabilitation in multiple sclerosis. *Neurocase*, 19(6), 553-65.
- Cerasa, A., Gioia, M. C., Valentino, P., Nisticò, R., Chiriac, C., Pirritano, D., Quattrone, A. (2013). Computer-assisted cognitive rehabilitation of attention deficits for multiple sclerosis: a randomized trial with fMRI correlates. *Neurorehabilitation and Neural Repair*, 27, 284-295.
- Chiaravallotti, N. D., Moore, N. B., Nikelspur, O. M., & DeLuca, J. (2013). An RCT to treat learning impairment in multiple sclerosis: The MEMREHAB trial. *Neurology*, 81(24), 2066-2072.
- Christodoulou, C., MacAllister, W. S., McLinskey, N. A., & Krupp, L. B. (2008). Treatment of cognitive impairment in multiple sclerosis: is the use of acetylcholinesterase inhibitors a viable option? *CNS Drugs*, 22(2), 87-97.
- Dagenais, E., Rouleau, I., Tremblay, A., Demers, M., Roger, É., Jobin, C., & Duquette, P. (2016). Role of executive functions in prospective memory in multiple sclerosis: Impact of the strength of cue-action association. *Journal of Clinical and Experimental Neuropsychology*, 38(1), 127-140.
- Daneman, M., & Carpenter, P. A. (1980). Individual differences in working memory and reading. *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior*, 19(4), 450-466.
- Das Nair, R., Ferguson, H., Stark, D. L., & Lincoln, N. B. (2012). Memory Rehabilitation for people with multiple sclerosis. *The Cochrane Database of Systematic Reviews*, (3), CD008754.
- Faul, F., Erdfelder, E., Lang, A.-G., & Buchner, A. (2007). G*Power 3: a flexible statistical power analysis program for the social, behavioral, and biomedical sciences. *Behavior Research Methods*,

طول یادگیری و به حداقل رساندن امکان پاسخ‌های اشتباه می‌باشد. بدلی و ویلسون^۱ (۱۹۹۴) بر این باورند که یادگیری بدون خطا به عنوان یک روش آموزش برای افراد دچار اختلال حافظه کارآمد است. مزیت یادگیری بدون خطا می‌تواند به دلیل فرایندهای حافظه آشکار باقیمانده یا ترکیب هر دو سیستم حافظه ناآشکار و آشکار باشد. با این وجود، پیچ، ویلسون، شیل، کارتر و نوریس^۲ (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که محفوظ ماندن حافظه ناآشکار در غیاب حافظه آشکار برای بروز یادگیری بدون خطا، کافی است.

جنبه‌ی دیگری از تأثیر توان بخشی شناختی، حفظ اثرات بعد از آموزش می‌باشد. مطالعات متعددی که بررسی‌های پیگیرانه داشتند اثرات طولانی مدت روش توان بخشی شناختی بر نقص‌های شناختی عینی یا درک شده در بیماران مبتلا به ام اس را گزارش نموده‌اند (چپاراولوتی و همکاران، ۲۰۱۳؛ روستی اتاجاروی، مانتنین، کوپویستو، هاتلا^۳ و همیلین، ۲۰۱۳). با این وجود، داده‌های موجود در مورد اثرات درازمدت آموزش شناختی محدود هستند و نیاز به بررسی بیشتر دارند. این مطالعه با محدودیت‌های روبرو بوده است که ممکن است بر نتایج تأثیر گذاشته باشد و به هنگام تعمیم نتایج باید به آن‌ها توجه شود. نمونه این پژوهش به صورت تصادفی انتخاب نشده است و همانند تمام مطالعات بالینی، امکان استفاده از نمونه آماری بزرگ وجود نداشت همچنین، در این پژوهش، افت آزمودنی‌ها وجود داشته است. این مسئله یک مشکل عمومی در تمام پژوهش‌های صورت گرفته با مبتلا به اسکروزیس چندگانه محسوب می‌شود و یکی از دلایل اصلی آن، خستگی بیماران است جودیکا^۴ و همکاران (۲۰۱۱) که البته در طراحی برنامه درمان و نرم افزار به آن توجه شده است و تلاش گردیده است تمرین‌ها به گونه‌ای ارائه گردد که کمترین خستگی را در بیماران ایجاد کند.

پیشنهاد می‌گردد این پژوهش با یک نمونه بزرگ‌تر و به صورت کاملاً تصادفی تکرار گردد و در پژوهش‌های آتی متغیر سن، جنسیت و تحصیلات که ممکن است بر نتایج تأثیر گذارند، کنترل گردد. با توجه به نتایج این پژوهش و اندازه اثر بسیار خوب این نوع مداخله پیشنهاد می‌گردد از این نرم افزار جهت توان بخشی حافظه برای بیماران ام اس استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد اثربخشی این نرم افزار جهت

1. Wilson

2. Page, Wilson, Shiel, Carter & Norris

3. Mantynen, Koivisto & Huhtala

4. Judica

improving memory function of Traumatic Brain Injury patients. PhD thesis, Faculty of Psychology, payame noor University. [Persian].

Sharifi, A. A., Zare, H., & Hatami, J. (2016). The impact of computerized cognitive rehabilitation on working memory performance in patients with traumatic brain injury. *Advances in Cognitive Sciences*, 17, 71-78. [Persian].

Skerrett, T. N., & Moss-Morris, R. (2006). Fatigue and social impairment in multiple sclerosis: The role of patients' cognitive and behavioral responses to their symptoms. *Journal of Psychosomatic Research*, 61(5), 587-593.

Sohlberg, M. M., & Mateer, C. A. (2001). *Cognitive Rehabilitation: An Integrative Neuropsychological Approach*. The Guilford Press.

Solari, A., Motta, A., Mendozzi, L., Pucci, E., Forni, M., Mancardi, G., & Pozzilli, C. (2004). Computer-aided retraining of memory and attention in people with multiple sclerosis: a randomized, double-blind controlled trial. *Journal of the Neurological Sciences*, 222(1-2), 99-104.

Stuifbergen, A. K., Becker, H., Perez, F., Morison, J., Kullberg, V., & Todd, A. (2012). A randomized controlled trial of a cognitive rehabilitation intervention for persons with multiple sclerosis. *Clin Rehabil*, 26(10), 882-93.

Winkelmann, A., Engel, C., Apel, A., & Zettl, U. K. (2007). Cognitive impairment in multiple sclerosis. *Journal of Neurology*, 254, 35-42.

Zare, H., Sharifi, A. A., & Hatami, J. (2015). The impact of computerized cognitive rehabilitation on prospective memory in patients with traumatic brain injury. *Journal of Applied Psychology*, 9, 1(33), 63-77. [Persian].

39(2), 175-191.

Filippi, M., & Rocca, M. A. (2013). Let's rehabilitate cognitive rehabilitation in multiple sclerosis. *Neurology*, 81(24), 2060-2061.

Freeman, J. A. (2001). Improving mobility and functional independence in persons with multiple sclerosis. *Journal of Neurology*, 248(4), 255-259.

Hanssen, K. T., Saltytė Benth, J., Beiske, A. G., Landrø, N. I., & Hessen, E. (2015). Goal attainment in cognitive rehabilitation in MS patients. *Neuropsychological Rehabilitation*, 25(1), 137-54.

Hubacher, M., DeLuca, J., Weber, P., Steinlin, M., Kappos, L., Opwis, K., & Penner, I.-K. (2015). Cognitive rehabilitation of working memory in juvenile multiple sclerosis-effects on cognitive functioning, functional MRI and network related connectivity. *Restorative Neurology and Neuroscience*, 33(5), 713-725.

Judica, E., Martinelli, F., Martinelli Boneschi, F., Ungaro, D., Comola, M., Gatti, R., Rossi, P. (2011). Impact of fatigue on the efficacy of rehabilitation in multiple sclerosis. *J Neurol*, 258(5), 835-839.

Lanzillo, R., Chiodi, A., Carotenuto, A., Magri, V., Napolitano, A., Liuzzi, R., Brescia Morra, V. (2016). Quality of life and cognitive functions in early onset multiple sclerosis. *European Journal of Paediatric Neurology*, 20(1), 158-63.

Lincoln, N. B., Dent, A., Harding, J., Weyman, N., Nicholl, C., Blumhardt, L. D., & Playford, E. D. (2002). Evaluation of cognitive assessment and cognitive intervention for people with multiple sclerosis. *Journal of Neurology, Neurosurgery, and Psychiatry*, 72, 93-98.

Luria, A. R. (1963). *Restoration of function after brain injury*. New York: Macmillan.

Mojtaba Zadeh, M. (2006). Investigate the relationship between working memory, anxiety, academic achievement among students in secondary high schools in Zanjan. M.A thesis, Faculty of Psychology, University of Allameh Tabatabai. [Persian].

Pérez-Martín, M. Y., González-Platas, M., Eguía-del Rio, P., Croissier-Elías, C., & Jiménez Sosa, A. (2017). Efficacy of a short cognitive training program in patients with multiple sclerosis. *Neuropsychiatric Disease and Treatment*, Volume 13, 245-252.

Rosti-Otajärvi, E. M., & Hämäläinen, P. I. (2014). Neuropsychological rehabilitation for multiple sclerosis. *The Cochrane Database of Systematic Reviews*, (2), CD009131.

Rosti-Otajärvi, E., Mäntynen, A., Koivisto, K., Huhtala, H., & Hämäläinen, P. (2013). Neuropsychological rehabilitation has beneficial effects on perceived cognitive deficits in multiple sclerosis during nine-month follow-up. *Journal of the Neurological Sciences*, 334(1-2), 154-60.

Sharifi, A. A. (2015). Building a computerized cognitive rehabilitation program and its effects on